

## با تعظیم و تکریم از روز مادر

گزارش شعبه ادبیات کانون فرهنگ افغان در اتریش



تجلیل و گرامیداشت از بهترین موجود هستی «مادر» که دیشب از طرف ریاست کانون فرهنگ افغان و نهاد آزاده گان مقیم اتریش در سالون دونبسکو شهر ویانا برگزار گردید کاملن استثنایی و با سالهای قبل تفاوت های زیادی داشت، اشتراک عده کثیری از مادران، چهره های جدید هنرمندان نسل جوان ما که اصلن توقع نداشتیم، تخلیه سالون از طرف مردان برای خانمها که ساعتی خود شان باشند، توزیع هدایایی برای مادران و سر انجام با شور شعف ذاید الوصفی این شب بخاطر ماندنی نیز بیپایان رسید.

آری، سر ساعت هفت و نیم شب نوجوان خوش تیپ و خوش برخوردی تمیم جان شورش روی استیژ ظاهر شد و باکلمات زیبایش مهمانان را خوش آمدید گفت و از آقای میر و آقای عیار برگزار کننده گان این برنامه ابراز امتنان و سپاسگزاری نمود.



نخست از غوث الدین میر رییس کانون خواهش نمود تا با صحبت های خویش محفل را آغازگر باشند. آقای میر روی استیژ آمد و در رابطه عشق در آئینه مادر سخنانی ایراد و از ذوات محترمی که با مقالات و اشعار شان چون کریمی استالفی شاعر و ادیب کشور مان، عزیز عیار، راج بهادر سنگ،

سید حسن قسیم نوری و هنرمندان جوان، سلیمان اسلمی، طارق نجات، فرید کامران و زاهد پاکنهاد، هارون یوسفزی ابراز قدر دانی نموده افزودند: در دنیای ما دو عشق است عشق بخدا و عشق مادر بفرزندش، این دو عشق پایه دار است متباقی همه زود گذر. آقای عیار نیز پیام دلپذیرش را به مادران بخوانش گرفت. خانم سمین مشرف همکار مجله بانو مطالب بسیار زیبایی را بخوانش گرفت که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.



از محترم کریمی استالی تقاضا گردید تا روی استیژ تشریف آورده پارچه شعری که در باره مادر سروده بودند بخوانش بگیرند. ایشان روز مادر را به مادران عزیز تبریک و از تدویر دهندگان این محفل اظهار شکران نمود؛ در اولین لحظات بر لبان حاضرین نگین تبسم را نشاند و لحظه بعد با قرائت شعر «شرمنده ام مادر» چشمان همه را اشک آلود گردانید.

سپس خانم نسرین فروغ همکار دیرینه کانون، ملکه سید یکتا از سابقه داران کانون، مینا میر و محترم قسیم نوری روی ستیژ آمده هر یک اشعار و مطالب دلنشینی را در وصف مادر بقرائت گرفتند





در پایان محترم میر، عیار و استالی تحایف تهیه شده کانون را به ۳۷ تن از مادران ممتاز اهداء نمودند و با اثر تقاضای مهمانان از محترم استالی بار دیگر تقاضا بعمل آمد تا یک پارچه شعر دیگر شانرا قرائت کنند، آقای استالی لبیک گفته شعر «خدایا گله ی دارم» را بخوانش گرفتند که مورد استقبال بینظیر و کف زندهای ممتد قرار گرفت.

آه که شب چقدر زود گذشت و ناگزیر شدیم تا با تقدیم تحسین نامه ها به نسل هنرمند جوان خود خدا حافظی نماییم و این شب پر خاطره را ثبت دلهای مان کردیم . با احترام

